

بررسی آفرینش زن در قرآن، احادیث و تورات



دکتر غلامحسین تاجری نسب^۱

اعظم بهادری^۲

چکیده:

این مقاله به بررسی آفرینش زن از دیدگاه آیات قرآن کریم پرداخته و سپس روایات وارده در این زمینه را بیان نموده است و با پاسخ به برخی شبهات در این زمینه اثبات کرده است که برخلاف برخی تلقی‌های سطحی و قشری از آیات و برخلاف اسرائیلیات (که در برخی تفاسیر آمده) و مورد نقد محتوایی قرار نگرفته است، زن در اسلام دارای آفرینشی اصیل و هم پایه با مرد می‌باشد. هر دو از یک مبدأ واحد (نفس واحد) آفریده شده‌اند و هیچ‌گونه برتری در این زمینه نسبت به هم ندارند. در نتیجه، سخنانی از قبیل این که زن جنس پست‌تر یا فروتر نسبت به مرد است و یا از دنده چپ مرد و برای او آفریده شده است را رد می‌کند.

کلید واژگان: قرآن، روایات، زن، آفرینش

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه اصول الدین

نشانی الکترونیکی: ghtnasab@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث.

نشانی الکترونیکی: im_hihi22@yahoo.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۲/۱۵

* تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۳/۷

مقدمه

مسئله «شخصیت زن» کلید زن‌شناسی در هر حکمت و آیین است، هر جریان فکری که تصویری از شخصیت زن ارائه می‌کند، می‌تواند در دیگر مسائل زنان نظر دهد و اظهار رأی کند، به تعبیر دیگر، مباحثی چون: خلقت زن، حقوق زن، مشارکت اجتماعی، کمالات معنوی، حجاب و زینت، همه و همه به موضوع «شخصیت زن» گره خورده است. بررسی مسائل زنان در آیین اسلام نیز باید از این‌جا آغاز شود، روشن است که نشان دادن تلقی اسلام از زن باید از یک‌سو مطابق با منابع مسلم دینی و از سوی دیگر، سازگار با نتایج و لوازم و آثار این نظریه باشد و گرنه قابل استناد و اعتماد نخواهد بود. (مهریزی، ۳)

به نظر می‌رسد بر خلاف آنچه در مکاتب گوناگون از زن بیان شده است و برخلاف پندارهای غلط برخی در مورد دیدگاه اسلام در باب زن، از نظرگاه اندیشه اسلامی، زن به حکم انسان بودنش، از همه مواهب رشد و کمال برخوردار است، در سیر و سلوک خود، به اندازه مردان، به ابزار تکامل مجهز می‌باشد و از نظر هویت انسانی زن و مرد یکسان است و در اصل حیات و گوهره آفرینش تفاوتی با مرد ندارد و وابسته به او نیست، بلکه موجودی مستقل است از این رو خداوند برای بقای نسل انسان، او را به دو جنس زن و مرد تقسیم نمود، چنان که در آیاتش به این امر اشاره فرموده است:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ...». (حجرات، ۱۳ و ر.ک: لیل، ۳)

در این میان، مطلب حائز اهمیت، این نکته است که این تقسیم بندی - مذکر و مؤنث - مختص به انسان‌ها نیست، بلکه در میان سایر موجودات عالم نیز جاری و عامل بقا و تکثیر آنهاست و همان‌گونه که در میان آنها مذکر یا مؤنث بودن نقص و عیبی به شمار نمی‌رود، در میان نسل انسان نیز چنین است.

برای اثبات این ادعا در مورد زن در مکتب اسلام، مراجعه به آیات قرآن و احادیث و حل تعارض‌های موجود و پاسخ به شبهات برای روشن‌تر شدن موضوع، لازم و ضروری است؛ زیرا خلقت زن و مرد در آیات متعددی مطرح شده است و در این بین، عده‌ای این آیات را به گونه‌ای تفسیر نموده‌اند که سبب شده برخی تصور نمایند که آیات قرآن کریم، زن را طفیل و وابسته به مرد دانسته است. در ضمن آیات، روایات متعارضی وجود دارد که این مطلب را تأیید نموده و در مقابل برخی روایات هستند که منکر این امرند. در ابتدای بحث و قبل از ذکر آیات و بررسی آنها باید به این نکته اشاره نمود که:

«قرآن تنها مجموعه قوانین نیست، محتویات قرآن صرفاً یک سلسله مقررات و قوانین

خشک بدون تفسیر نیست. در قرآن هم قانون است، هم تاریخ، هم موعظه، هم تفسیر خلقت و هم هزاران مطلب دیگر، قرآن همان طور که در مواردی به شکل بیان قانون دستورات عمل معین می‌کند، در جای دیگر وجود و هستی را تفسیر می‌کند. راز خلقت زمین، آسمان، گیاه و حیوان، انسان و راز موت‌ها و حیات‌ها، عزت‌ها، ذلت‌ها، ثروت‌ها و فقرها را بیان می‌کند. قرآن، کتاب فلسفه نیست، اما نظر خود را درباره جهان، انسان و اجتماع، به طور قاطع بیان کرده است. قرآن به پیروان خود با تفسیر خلقت، طرز تفکر و جهان بینی مخصوص می‌دهد». (مطهری، ۱۱۶ و ۱۱۷)

بنابراین، قرآن برخلاف سایر کتاب‌های نوشته شده اولاً جامع همه مسائل است، ثانیاً گذر زمان تأثیری در اصل قوانین آن ندارد، به این معنا که یک اصل قانونی در گذشته به نحوی بیان شده است که تا امروز براساس واقعیات جدید نقض شده باشد. مانند بسیاری از دستاوردهای علمی. مسئله دیگری که باید در نظر داشت اینکه آیات قرآن نیاز به تفسیر و تبیین دارد تا مراد و مقصود حقیقی خداوند از بیان آیات حاصل شود، اما هر کس توان روشننگری آیات را ندارد. اولین مفسر آیات الهی، وجود مبارک نبی اکرم «صلی الله علیه و آله» و به پیروی از ایشان، ائمه اطهار «علیهم السلام» هستند. در این پژوهش نیز به آیات قرآن و روایات صحیح برای حل تعارضات استناد شده است.

شیوه آفرینش زنان

با توجه به مطالب بیان شده، حال به ذکر و بررسی آیات مربوط به آفرینش زن و مرد می‌پردازیم، این آیات عبارتند از:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...» (النساء، ۱)

ای مردم! [خودتان را] از [عذاب] پروردگارتان حفظ کنید، (همان) کسی که شما را از یک شخص آفرید و از او همسرش را آفرید و از آن دو، مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت...».

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...» (الاعراف، ۱۸۹)

«او خدایی است که شما را از نفس واحدی آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید...».

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم، ۱۲)

«و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید، تا در کنار آن‌ها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد، در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند...».

«وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَّ جَعَلَ لَكُم مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ بَنِيْنَ وَّ حَفَدَةً وَّ...» (النحل، ۷۲)
«و خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و برای شما از همسرانتان، فرزندان و نوه‌ها و...»

«وَهُوَ الَّذِيْ اَنْشَأَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَّاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَّ مُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَضَّلْنَا الْاَيَاتِ لِقَوْمٍ يَّفْقَهُوْنَ...» (الانعام، ۹۸)

«او کسی است که شما را از یک نفس آفرید، در حالی که بعضی از انسان‌ها پایدارند (از نظر ایمان یا خلقت کامل) و بعضی ناپایدار، ما آیات خود را برای کسانی که می‌فهمند، بیان نمودیم.».

«مَا خَلَقْتُمْ وَّ لَا بَعَثْتُمْ اِلَّا كَنَفْسٍ وَّاحِدَةٍ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ بَصِيْرٌ» (لقمان، ۲۸)
«آفرینش و زندگی مجدد همه شما همانند یک فرد بیش نیست، خداوند شنوا و بینا است.»
برای دریافت دقیق از آیات باید ابتدا به بررسی چند واژه در این زمینه پرداخت:

مفهوم شناسی

۱. نفس

نفس در لغت به معنای اصل، ذات و واقعیت یک شیء آمده است. در کتاب «العین» چنین آمده است:

«النفس و جمعها النفوس، لها معان، النفس: الروح الذى به حياة الجسد و كل انسان نفس حتى آدم، الذكر و الانثى سواء و كل شیء بعینه نفس». (الفراهیدی، ۱۲/۱۹۷ و ۱۹۹)؛ نفس (جمع آن نفوس) چند معنا دارد: نفس، روحی است که حیات جسد بسته به آن است. همچنین به هر انسانی - اعم از مرد یا زن - نفس گفته می‌شود. نیز به عین هر چیز، نفس آن چیز گفته می‌شود.

یا آمده است که: منظور از نفس (در آیهٔ (سورهٔ نساء) عبارت است از واقعیت عینی شیء و منظور از آن روح و مانند آن نیست و نیز آمده است: واقعیت عینی یک چیز را نفس گویند. (مصطفوی، ۱۲/۱۹۹)

برخی مفسران، نفس را در آیهٔ شریفه، حضرت آدم (ع) و «خلق منها زوجها» را خلقت زن

از اعضای بدن آدم معنا کرده‌اند. مرحوم طبرسی در این باره می‌نویسند:
«به عقیده همه مفسران قرآن، مراد از «نفس واحده» حضرت آدم (ع) است و علت اینکه «واحدة» را با تاء تأنیث آورده، این است که لفظ «نفس» مؤنث است، اگرچه معنای آن مذکر می‌باشد. «خلق منها زوجها» و همسرش حوا را از خود آدم آفرید. بیش تر مفسران برآنند که حوا از دنده‌های آدم آفریده شده است. (طبرسی، ۵/۵) اما مرحوم طالقانی در تفسیر خود چنین می‌نویسد:

«اگر نظر به شخص باشد - آدم ابوالبشر یا هر انسان معهود و منظوری - باید «من النفس» گفته شود و صفت مؤنث «واحدة» و ضمیرهای «منها زوجها» مناسب نیستند. چون آن‌جا که منظور شخص است، صفت و ضمیر مذکر آورده می‌شود و نیز چون لفظ «الناس» عام و شامل همه است - گرچه خطاب متوجه به موجودین می‌باشد - آدم هم مشمول آن است و او هم از نفس واحده آفریده شده است». (طالقانی، ۱۵/۶)
بنابراین، از ظاهر آیه برمی‌آید منظور از «نفس واحده» شخص آدم (ع) نمی‌باشد، بلکه مراد از «نفس» همان ذات و واقعیت عینی است.

صاحب المنار نیز در ذیل آیه «نساء، ۱» می‌نویسند:

در این آیه تصریح نشده که مقصود «آدم» است و کلمه «نفس» هم ظاهر در آن معنا نیست و هر کس مطابق رأی و نظریه‌ای که دارد، همان‌گونه از آیه برداشت می‌کند. (طنطاوی، ۵/۳)
آیت الله جوادی آملی نیز در این مورد می‌فرمایند:

«منظور از نفس در آیه، گوهر و ذات و اصل و واقعیت عینی شیء است، نه روح و جان، روان یا ... مثلاً اگر گفته شود شیء فی نفسه چنین است، یعنی در ذات و هستی اصلی خود چنین است». (جوادی آملی، ۴۲ و ۴۱)

بنابراین با توجه به فراز اول آیه: «من نفس واحده» در می‌یابیم که:

۱. منظور از نفس در آیه مورد نظر نه جسم خاکی آدمی است و نه حتی روح او، بلکه اشاره به حقیقت وجودی انسان - ذات و اصل او - دارد.

۲. به دلیل خطاب جمع «الناس» می‌توان گفت تمام بشر از یک حقیقت واحدند و آیه تنها به «آدم» و یا «حوا» اشاره ندارد، بلکه آن دو ذیل این عموم قرار می‌گیرند و آیه در مقام بیان این مسئله است که همه انسان‌ها - چه مرد چه زن - از نظر ذات و اصل وجودی‌شان، همانند هم هستند و با همه کثرتی که دارند، منشأ آن‌ها از یک حقیقت و ریشه است.

در تفسیر این فراز از آیه «ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» در تفسیر المیزان آمده است:

جمله برای بیان نوعیت زن یا مرد آمده است و اینکه افراد موجود در گستره زمین در نهایت به دو فرد متمائل و متشابه می‌رسد، بنابراین لفظ «من» در آیه «نشویه» است - یعنی برای نشأت است - و منشأ چیزی را بیان می‌کند. (طباطبائی، ۱۷/۳۶۰)

در مورد لفظ «من» برخی آن را من جنسیه گرفته‌اند، برخی من نشویه، برخی من ابتدائیه یا من تعلیلی و برخی من تبعیضیه گرفته‌اند.

لذا اگر در تفسیر آیات، آدم (ع) و حوا (ع) مطرح شده‌اند، منظور نوع آدم (ع) و نوع حوا (ع) یعنی زن و مرد است، پس آنچه در مورد آن دو گفته می‌شود، به تمام مردان و زنان سرایت می‌کند. گرچه برخی مفسران نیز «من» را «من جنسیه» گرفته‌اند و گفته‌اند: «منظور این است که خداوند همسر او را از جنس او آفرید». (مکارم شیرازی، ۳/۲۴۵)

آیت الله جوادی آملی معتقد است «من» را هر چه بگیریم - جنسیه یا نشویه - تناقضی با اصل حیات و جوهره وجودی زن و مرد ندارد و این مطلب را این‌گونه بیان می‌کند:

در هر حال «من» را چه جنسیه و چه نشویه فرض کنیم، در اصل موضوع هیچ تفاوتی ندارد؛ زیرا در هر صورت نشان می‌دهد که زن و مرد هر دو یکسان از «نفس واحده» آفریده شده‌اند و به حقیقت مکمل یکدیگرند، نه اینکه زن فرع بر مرد یا طفیلی وجود مرد و یا جزئی از او باشد، پس اولین زن که همسر اولین مرد است، او هم از همان ذات و گوهر عینی آفریده شده، نه از گوهر دیگر و نه طفیل او، بلکه خداوند اولین زن را از همان ذات و اصلی آفریده است که همه زن‌ها و مردها را از همان اصل آفریده است». (جوادی آملی، ۴۴)

و اما کلمه «ثم» در جمله «ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» شبهه تأخر رتبی زن و کهنتری او را منتفی دانسته؛ زیرا «ثم» موجود در آیه بیانگر تأخر زمانی است و نه تأخر رتبی و مقامی و به این مطلب اشاره دارد که آفرینش زن پس از مرد بوده و نه اینکه از نظر حقیقت و اصل وجودی خود کم‌تر از مرد و یا طفیلی اوست.

علامه طباطبایی (ره) در این مورد می‌نویسد:

کلمه «ثم» برای تراخی و تأخیر رتبی در کلام است و مراد این است که: خدای تعالی این نوع را خلق کرد و افراد آن را از «نفس واحده» و همسرش فراوان آفرید. (طباطبائی، ۱۷/۳۶۲)

۲. زوج

کلمه «زوج» آن‌چنان که در کتاب‌های لغت آمده، به معنای: صنف، جفت و قرین است و به هر دو موجود - چه حیوان چه غیر حیوان، چه مذکر چه مؤنث - که قرین یکدیگر باشند،

زوج گفته می‌شود. بنابراین کلمه «زوج» به معنای همسر می‌باشد و بر هر یک از زن و مرد اطلاق می‌شود و تنها بر مرد دلالت نمی‌کند.

راغب اصفهانی معتقد است: «زوج به دو قرین از مذکر و مؤنث در حیوانات گفته می‌شود، مانند یک جفت کبوتر و نیز به هر دو قرین در غیر حیوانات نیز «زوج» گفته می‌شود، مانند یک جفت کفش». و می‌افزاید تعبیر از «زن» به کلمه «زوج» صحیح می‌باشد که جمع آن ازواج است و نه تعبیر به زوجه که جمع آن زوجات است و تعبیر از «زن» به کلمه زوجه را لغت ردیئه دانسته است. (راغب اصفهانی، ۲۱۵ و ۲۱۶)

در مجمع البحرین نیز ذیل کلمه «زوج» آمده است:

«زوج المرأة: بعلها، هی زوج ایضاً و هی اللغة العالیه و بها جاء التنزیل قال تعالی: «اسکن انت و زوجک الجنة...». (طریحی، ۳۰۵/۲)

در دیگر کتاب‌های لغت نیز به همین مضمون معنای «زوج» آمده است. (ر.ک: الفراهیدی، ۱۶۶/۶ و ابن منظور، ۲۹۱/۳ و مصطفوی، ۳۶۱/۴ و الفیومی، ۲۵۹/۲)

«بنابراین، خود کلمه «زوج» که در آیات آمده مراد، «همسر مرد» است با توجه به اینکه زوج او، باید قرین و جفت وی باشد، می‌رساند زن، از نظر خلقت هم‌تا و قرین مرد است. البته این سخن منافاتی با تفاوت آنان در برخی از ویژگی‌های جسمی و روحی که لازمه گردش نظام احسن است، ندارد؛ از این رو می‌توان گفت: تمام آیاتی که اشاره به «زوجیت» زن و مرد دارند، همه آن‌ها بر ماهیت واحد زن و مرد و وحدت سرشت آنان گواهی می‌دهد». (داودی، ۵۳)

همان‌گونه که بیان شد، کلمه «زوج» هم بر مرد و هم بر زن دلالت دارد و جمع آن ازواج است و از این روست که در قرآن هم از کلمه «زوجه» برای زن و یا عنوان زوجات برای زنان دنیا و آخرت یاد نشده است. بلکه فقط به عنوان زوج و ازواج یاد شده است.

با توجه به مطالب گفته شده بر مبنای آیات مزبور:

۱. آیات یاد شده، همه انسان‌ها را - چه مرد چه زن - مورد خطاب قرار داده است؛ زیرا در آغاز آیه مخاطب «الناس» آورده شده که روشن می‌کند زن و مرد را به طور مساوی شامل می‌شود و نشان دهنده این مطلب است که زن و مرد نزد خداوند متعال و در منزلت ذاتی برابرند. (خامنه‌ای، ۲۷) و افزون بر این مطلب از ضمیر جمع نیز استفاده شده است.
۲. در این خطاب همگانی فرموده است: ما شما «زن و مرد» را از یک ذات و گوهر خلق کرده‌ایم، بنابراین زن از همان گوهری آفریده شده که مرد آفریده شده است و هیچ تفاوتی

از این لحاظ با هم ندارند و زن کمتر از مرد و یا طفیلی و وابسته به او نیست، تنها چیزی که می‌توان بیان کرد، شاید تأخر زمانی باشد (نه تأخر رتبی و مقامی) که زن بعد از مرد و از همان گوهر و حقیقت وجودی «نفس واحده» آفریده شده است نه اینکه از مرد و یا مقام و منزلتی فروتر و پست‌تر از مرد. به این ترتیب زن و مرد اولیه و تمام زنان و مردان عالم و نسل کنونی دارای مبدأ واحد و یکسانی در اصل آفرینش هستند و هر دو از یک گوهرند و هیچ امتیازی از لحاظ گوهر وجودی بین آن‌ها وجود ندارد.

۳. با توجه به آنچه در مباحث قبلی بیان شد، منظور از «نفس واحده» حقیقت وجودی است و تنها مختص به آدم نیست؛ زیرا اگر بگوییم صرفاً منظور از «نفس واحده» آدم و «زوجها» حوّا است، اشکالاتی پدید می‌آید و آن اینکه اولاً این امر به ذهن خطور می‌کند که حوّا از آدم خلق شده؛ و این امر مؤید آن است که زن از دندهٔ چپ آدم و ... آفریده شده است و در نتیجه آفرینش اصیل زن را زیر سؤال می‌برد و او را وابسته و طفیل مرد می‌داند. ثانیاً با توجه به آیهٔ ۱۹۰ اعراف که سخن از پیمان زن و مرد با خداوند در حال بارداری زن دارد و اینکه بعد از تولد فرزند پیمان شکنی کردند و برای خدا شریک قایل شدند. این امر از مقام آدم (ع) و همسرش به دور است.

بنابراین آیات تنها بر آدم و حوّا (ع) دلالت نمی‌کند، بلکه آن‌ها را نیز علاوه بر سایر انسان‌ها شامل می‌شود؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد، خطاب آیه به صورت جمع «الناس» آمده است.

۳- بررسی نمونه‌ای از روایات وارده در خلقت زنان

ذیل آیات مربوط به آفرینش - زن و مرد - به احادیث متعارضی بر می‌خوریم، به گونه‌ای که برخی، ناظر به وحدت مبدأ آفرینش انسان هستند و برخی خلقت زن «حوّا» را از دندهٔ چپ «آدم» می‌دانند. بنابراین، در این مجال، به بررسی آن‌ها می‌پردازیم تا از خلال این بررسی، نظر صحیح را آشکار و تبیین نماییم.

الف) دستهٔ اول احادیثی که خلقت زن (حوّا) را از دندهٔ چپ مرد (آدم) دانسته و معتقدند که خلقت اصیل از آن مرد است و زن طفیلی و فرع بر او آفریده شده است:

۱. محمد بن علی بن الحسین باسناده عن السکونی عن جعفر عن ابیه (ع): «انّ علی بن ابیطالب (ع) کان یورث الخنثی فبعدهً أضلاعه فان کانت أضلاعه ناقصة من أضلاع النساء بضع ورث میراث الرجال لأنّ الرجل تنقص أضلاعه عن أضلاع النساء بضع لأنّ حوّا خلقت من ضلع آدم القصوی الیسری فنقص من أضلاعه ضلع واحد» (حر عاملی، ۲۶/۲۸۷ و صدوق،

(۳۲۶/۴)

امیرمؤمنان (ع) برای تعیین ارث افراد خنثی، دنده‌های آنان را می‌شمرد، اگر یک دنده کمتر از زنان داشت، به او ارث مردان را می‌داد؛ زیرا مرد یک دنده کم‌تر از زن دارد و این نیز از آن جهت است که حوّا (ع) از دندهٔ چپ آدم (ع) خلق شد، لذا مرد یک دنده کم‌تر دارد.

۲. و باسناده (الصدوق) من عاصم بن حمید عن محمد بن قیس عن ابی جعفر (ع)... فقال: «إني حكمت عليها بحكم الله إن الله تبارك و تعالی خلق حواء من ضلع آدم الأيسر الاقصى و أضلاع الرجال تنقص و أضلاع النساء تمام» (حر عاملی، ۲۶/۲۲۸ و صدوق، ۴/۳۲۷ و نوری، ۱۷/۲۲۱ و ابن شهر آشوب، ۲/۳۷۶)

امیرمؤمنان (ع) فرمود: من بر اساس کتاب خدا داوری کردم، خداوند حوّا را از دندهٔ چپ آفریده و دندهٔ مردان کم‌تر از دندهٔ زنان است.

۳. الدقاق عن الاسدی عن النخعی عن محمدالنفلی عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن ابی عبدالله (ع) قال: «سمیت المرأة (ع)، مرأة لأنها خلقت من المرء یعنی خلقت حوّا من آدم». (مجلسی، ۱۱/۱۰۹؛ ۵۷/۲۶۵؛ صدوق، ۱/۱۶)

امام صادق (ع) فرمود: زن را زن نامیدند؛ زیرا از مرد آفریده شده؛ یعنی حوّا از آدم خلق شده است.

۴. الكلینی عن محمدبن یحیی، عن عبدالله بن محمد عن علی بن الحکم عن ابان بن عثمان عن عبدالرحمن بن سیابه عن ابی عبدالله (ع) قال:

«إن الله خلق حواء من آدم فهمة النساء الرجال فحصنوهن فی البيوت». (الحر عاملی، ۲۰/۶۲ و الكلینی، ۵/۳۳۷؛ مجلسی، ۱۱/۱۱۶)

امام صادق (ع) فرمود: خداوند حوّا را از آدم آفرید، بدین جهت میل زنان به سوی مردان است، از این رو، زنان را در خانه‌ها محصور کنید.

۵. تحفة الخوان للمولی الفاضل المولی سعید المزیدی: عن ابی بصیر عن جعفر بن محمد الصادق (ع) فی حدیث طویل قال:

«فلما نام آدم (ع) خلق الله من ضلع جنبه الأيسر ممّا يلي الشراسيف و هو ضلع اعوج فخلق من حواء...» (نوری، ۱۴/۳۲۴)

امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که آدم را خواب ربود، خداوند از دندهٔ طرف چپ آدم که کج و سوی شکم است، حوّا را خلق کرد.

و در حدیثی دیگر آمده است:

ابن اسحاق در آنچه از طریق اهل کتاب و دیگران از اهل علم، از قبیل ابن عباس به او رسیده است، می‌گوید: «خداوند بر آدم خواب را مستولی ساخت، سپس دنده‌ای از دنده‌های پهلوی چپ او را برداشت و جای آن را گوشت پر کرد، در حالی که خواب بود تا اینکه خداوند همسرش حوا را از دنده او آفرید». (طبرسی، ۱۵۱/۴)

سند برخی از این احادیث دارای اشکال است و نیز این دسته از روایات اولاً با دسته دیگری از روایات - که به آن‌ها اشاره خواهد شد - معارض است، ثانیاً این احتمالات با متن تورات که مورد قبول یهودیان و مسیحیان است، انطباق دارد. در تورات، سفر پیدایش آمده است:

و خداوند خدا خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخت و یکی از دنده‌هایش را گرفت و گوشت درجایش پر کرد و خداوند خدا از آن دنده که از آدم گرفته بود، زنی بنا کرد و وی را به نزدش آورد. و آدم گفت: همانا این استخوانی است از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم، از این سبب «نساء» نامیده شد؛ زیرا از انسان گرفته شد». (کتاب مقدس، ۲۲/۲)

علامه طباطبایی (ره) در مورد این احتمال که زن از دنده چپ مرد خلق شده است، می‌فرماید:

این احتمال گرچه از لحاظ عقلی محال و غیر ممکن نیست، اما از لحاظ دلالت مطلب، آیات قرآن کریم بر آن دلالتی ندارند». (طباطبائی، ۲۳۲/۴) بنابراین آن را احتمالی ضعیف شمرده‌اند.

نکات حائز اهمیت آن است که اولاً برخی از این روایات از لحاظ سندی دارای اشکال هستند. ثانیاً برخی از آن‌ها با وجود سند صحیح متن آن‌ها از لحاظ دلالتی (محتوایی) مخدوش است و هیچ مؤید و شاهده‌ای از قرآن بر آن‌ها وجود ندارد و با ظاهر آیات قرآن ناسازگار است، در ضمن با برخی از روایات معصومان (ع) نیز متعارض است. ثالثاً برخلاف مشاهده و حس است؛ زیرا با توجه به روایات مرد باید یک دنده از زن کم‌تر داشته باشد که این با مشاهده طبیعی دنده‌های مرد مردود است؛ زیرا زن و مرد هر دو از لحاظ جسمی دارای دنده‌های مساوی هستند.

در رابطه با این مطلب مترجم و شارح کتاب «من لا یحضره الفقیه» می‌نویسد:

«استاد ما مرحوم میرزا ابوالحسن شعرانی (ره) می‌فرمود: اینکه پنداشته‌اند دنده‌های مرد یکی کم‌تر از دنده‌های زن است، پنداری بیش نیست و ما خود بالحس و العیان می‌بینیم که عدد دنده‌های زن و مرد مساوی‌اند، هم از سمت راست هم از سمت چپ؛ و تکذیب امام

از خبر، مؤید اعتبار است و نیازی به تأویل و توجیه آن نخواهد بود». (صدوق، ۶/۵)
سید قطب در این زمینه می‌گوید:

«به هر حال ما فقط می‌دانیم که حضرت آدم (ع) همسری از جنس خود داشته است، اما نمی‌دانیم که چگونه خلق شده است و نصوصی که از روایات و آیات در اختیار داریم، راجع به کیفیت خلقت حواء و حضور او به عنوان همسر آدم سخن نگفته‌اند. تمامی روایاتی که بر خلقت حواء از دندهٔ آدم دلالت می‌کند، منسوب به اسرائیلیات بوده و قابل اعتماد نمی‌باشد، تنها چیزی که می‌توان به آن جزم و یقین یافت، این مطلب است که خداوند برای آدم (ع) همسری از جنس خود او آفرید». (سید قطب، ۱۲۶۶/۳ و ۱۲۶۷)

پس، روایات این دسته، به علت عدم موافقت با آیات قرآن و نیز تعارض با دیگر روایات قابل قبول نیستند.

ب) دستهٔ دوم روایاتی هستند که خلقت اولیهٔ زن (حواء) را از باقیمانده (زیادی) گل آدم می‌دانند.

۱. عن عمرو بن ابی المقدام عن ابیه قال: «سالت ابا جعفر (ع) من ای شیء خلق الله حواء؟ فقال: ای شیء يقول هذا الخلق؟ قلت يقولون: ان الله خلقها من اضلاع آدم. فقال: کذبوا اکان يعجزه ان يخلقها من غير فقلت: جعلت فداك يابن رسول الله! من ای شیء خلقها؟ فقال: أخبرني ابی عن ابائه (ع) قال: قال رسول الله (ص) ان الله تبارک و تعالی قبض قبضه من طین فخلطها بيمينه و کلتا یدیه یمین فخلق منها آدم و فضلت فضله من طین فخلق منها حواء». (شیبانی، ۱۴۰/۱؛ مجلسی، ۱۶/۱۱؛ العیاشی، ۱/۲۱۶؛ الجزائری، ۲۸)

ابومقدام گوید: از امام باقر (ع) پرسیدم: خدا از چه چیز حواء (ع) را آفرید؟ فرمود: دیگران چه می‌گویند؟ گفتم معتقدند خدا حوا را از دندهٔ چپ آدم خلق کرد، فرمود: دروغ می‌گویند. آیا خداوند ناتوان بود که حوا را مستقل بیافریند؟ گفتم که فدایت گردم ای پسر رسول خدا (ص) پس حوا چگونه خلق شد؟ فرمود که پدرم از پدرش و جدش، تا برسد به رسول خدا (ص) نقل کرده است که خدا مستی خاک از زمین برداشت با دست راست خود - که هر دو دست او راست است - آن را به هم زد و از آن آدم را بیافرید و از باقی آن حوا را خلق کرد.

۲. قال النبی (ص): «خلق الله عزوجل آدم من طین و من فضله و بقیته خلقت حواء...» (مجلسی، ۲۹۸/۹ و الصدوق، ۱۹۳ و الصدوق، ۵۱۲/۲) پیامبر (ص) فرمود: خدا آدم را از گل آفرید و از اضافی آن حوا را خلق کرد.

با توجه به روایات، خلقت حوا از دندهٔ چپ آدم رد شده است. و این بیانگر آن است که

حوّا از همان جنسی (خاک و گلی) که آدم خلق شده، آفریده شده است و نه از اجزای بدن آدمی، اما این روایات با روایات دسته اول و نیز روایاتی دیگر - که اشاره خواهد شد - تعارض دارند.

۳. محمد بن علی بن حسین به اسناده عن زرارة بن اعین انه قال:

«سئل ابو عبدالله (ع) عن خلق حواء و قيل له إنّ عندنا اناساً يقولون إنّ الله خلق حواء من ضلع آدم الايسر الاقصى. فقال: سبحان الله تعالى عن ذلك علواً كبيراً. يقولون من يقول هذا إنّ الله لم يكن له من القدرة ما يخلق لآدم زوجته من غير ضلعه و يجعل للمتكلّم من اهل التّشنيع سبيلاً الى الكلام أنّ يقول إنّ آدم كان ينكح بعضه بعضاً اذا كانت من ضلعه ما لهؤلاء حكم الله بيننا و بينهم الحديث.. (حر عاملی، ۲۰ / ۳۵۲؛ مجلسی، ۱۱ / ۲۲۰؛ صدوق، ۱ / ۱۷۱؛ صدوق، ۳ / ۳۷۹؛ فیض کاشانی، ۲۱ / ۲۱ و ۲۲). إنّ الله عزّوجلّ خلق آدم من طین ثم ابتدع له حواء...» (حر عاملی، ۱۳ / ۱)

از امام صادق (ع) سؤال شد گروهی می گویند: حوّا از دنده چپ آدم آفریده شده است؟ فرمود: خدا از این نسبت منزّه و پاک است. آیا می توان گفت که خداوند توان نداشت برای آدم همسری بیافریند که از دنده او نباشد و راهی برای سخن ملامت گران باز گذارد که بگویند: انسان با بخشی از بدن خودش ازدواج می کند، (آدم با خودش ازدواج کرد) چرا چنین حکم می کنند؟ خدا میان ما و آنان داوری کند. خداوند آدم را از خاک آفرید، سپس حوّا را به طور نوظهور برای او پدید آورد.

این روایت حاوی نکات مهمی است:

۱. خلقت حوّا از دنده چپ آدم را رد نموده است.
۲. خلقت حوّا را همانند خلقت آدم دانسته، بلکه خلقتی نو و بدیع بوده است.
۳. همان طور که در مباحث قبلی در تفسیر «ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» گفته شد، ثم: تأخر زمانی را بیان می کند و نه تأخر رتبی و مقامی.

در مجموع و با بررسی این دو دسته روایات متعارض، براساس سفارش اهل بیت (ع) آنچه با کتاب الهی موافق است را پذیرفته و آنچه مخالف است را کنار گذاشته و یا تأویل می کنیم. بنابراین دسته دوم از روایات را که موافق آیات قرآن است را می پذیریم و دسته اول روایات را که با آیات قرآن متعارض است - گرچه برخی دارای سند صحیح نیز هستند - کنار نهاده و یا تأویل می کنیم.

نتیجه گیری

در نهایت در موضوع آفرینش زن با توجه به آیات قرآن و روایات معتبر و نظر مفسران می توان گفت:

۱. خلقت آدم و حوا از مبدأ واحد نشأت گرفته است و هر دو دارای یک سرشت واحدند.
 ۲. زن از وجود مرد یا از اجزایی از اجزای او (دندۀ چپ) آفریده نشده، پس طفیلی و وابسته به مرد نیست و وجودی مستقل و اصیل دارد.
 ۳. نکته مهم دیگر اینکه حتی با فرض اینکه زن از مرد آفریده شده و وابسته و طفیلی اوست، همه این موارد شامل جسم زن است و تنها زن از لحاظ جسمی از جنس مرد و وابسته به اوست، اما از لحاظ اصل و گوهر ذاتی و حقیقت وجودی اش هیچ گونه وابستگی به مرد ندارد، بلکه وجودی مستقل و آزاد دارد.
- نکته دیگر آنکه، باید دانست پیام آسمانی اصالت زن - و اینکه موجودی تبعی و طفیلی مرد نیست - در شرایطی به گوش زمینیان می رسد که به دوران «جاهلیت» شهرت یافته است. دورانی که نه فقط در شبه جزیره عربستان و در میان عرب بیابان گرد و منحط، بلکه در همه نظام های موجود بشری، زن از هدف مندی عاری و از همه حقوق اجتماعی و انسانی محروم بود و چونان کالایی مبادله می شد. در شرایطی که داشتن دختر مایه ننگ و سرافکنندگی بود و مرگ و حشیانۀ او - زنده به گور کردن - تنها راه چاره محسوب می شد. آری در چنین زمانه ای بود که پیام پروردگار به همه زنان و مردان و همه عصرها و نسل ها ابلاغ شده که: «ما شما را از «نفس واحده» آفریده ایم، از یک جنس «خاک» و هر دو در پیشگاه پروردگار، بنده، برابر و یکسان و انسان هستید و این گونه بود که خط بطلانی بر همه توهمات و خرافات کشیده شد و بزرگ ترین گام برای احیای شخصیت زن برداشته شد». (مهریزی، ۱۴۶)
- بنابراین براساس ظاهر آیات الهی و روایات (موافق قرآن) زن و مرد، هر دو از یک هویت و حقیقت انسانی واحد و یکسان برخوردارند و هیچ یک بر دیگری برتری ندارند.

منابع

۱. کتاب مقدس
۲. ابن شهر آشوب المازندرانی، محمد بن علی، المناقب آل ابی طالب (ع)، تحقیق یوسف البقاعی، قم، ذوی القربی، ۱۴۲۱ ق
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م
۴. الجزائری، نعمت الله، النور المبین فی قصص الانبیاء و المرسلین، قم، نشر حبیب، ۱۴۲۰ ق
۵. جوادی آملی، عبدالله، زن در آیینة جلال و جمال الهی، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۸ ش
۶. حر عاملی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ش
۷. خامنه‌ای، سید محمد، حقوق زن، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ ش
۸. داودی، سعید، زنان و سه پرسش اساسی، قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، ۱۳۸۲ ش
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات لالفاظ القرآن، بیروت، دار العلم الدر الشافیة، ۱۴۱۲ ق
۱۰. رشیدرضا، محمد، تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفة، بی تا
۱۱. سید بن قطب، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق، ۱۴۱۲ ق
۱۲. شیبانی، محمد بن الحسن، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، تهران، موسسه دائرة المعارف اسلامیه، ۱۴۱۳ ق
۱۳. صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، تحقیق محمد خواجوی، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۶۶ ش
۱۴. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه القمی، علل الشراعی، نجف، منشورات مکتبه الحیدریه و مطبعتها، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۶ م
۱۵. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه القمی، من لایحضره الفقیه، شرح علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۹ ش
۱۶. طالقانی، سید محمود، پرتویی از قرآن، قم، صبح صادق، ۱۳۸۴ ش
۱۷. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۲ ق
۱۸. طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا
۱۹. طبری، ابوجعفر محمد بن جدید، جامع البیان عن تاویل آی القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق
۲۰. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۹۵ ق
۲۱. طنطاوی، جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق
۲۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا
۲۳. فتاحی زاده، فتحیه، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، قم، موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۷۸ ش
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، تهران، انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ ق



۲۵. فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، اصفهان، مکتبه الامام امیر المؤمنین علی(ع)، ۱۴۰۶ ق
۲۶. فیومی، احمد المقری، مصباح المنیر، مطبعة الامیدیه، ۱۹۲۹ م
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، مطبعة حیدری، ۱۳۸۸ ق
۲۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار لدرر اخبار الائمه الاطهار (ع)، موسسه بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳ ق
۲۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش
۳۰. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، بی تا
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش
۳۲. مهریزی، مهدی، زن در اندیشه اسلامی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱ ش
۳۳. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق